

صاحبان رسالات موسیقی

۳

نوشته: حسینعلی ملاح

۵ - ج - فارمر - سیزده صفحه از کتاب: «منابع موسیقی عربی» خود را به معرفی حکمای یونانی و آثار آنها اختصاص داده است - رسالات همین فیلسوفان یونانی است که در ادوار مختلف (بویژه قرن سوم هجری) به زبانهای سریانی و عربی ترجمه شده و مورد استفاده موسیقی دانها و موسیقی شناسان دوره اسلامی قرار گرفته است.

این افراد به ترتیب عبارتند از:

۱- افلاطون

فارمر نام وی را (Plato) نوشته است - مشهورترین اثر وی رساله «تی-مائوس» Timaeus میباشد که یکبار در قرن سوم هجری مطابق با نهم میلادی توسط: یوحنا ابن البطریق بعبری ترجمه شده و یکبار هم توسط: حنین ابن اسحق بعبری برگردانده شده است - در این کتاب مبحثی درباره موسیقی موجود است.

۲- فیثاغورث (یا پتیا گوراس)

که مشهورترین رساله‌وی : **تالیف فی الموسیقی** است که در قرن سوم هجری بعربی ترجمه شده است - فارمر معتقد است که : این کتاب یکی از معتبرترین رساله‌های موسیقی است .

فیثاغورث را اعراب و ایرانیان «پدر موسیقی» لقب داده‌اند.

۳- ارسطاطالیس یا اریستوتل (Aristotle)

که مشهورترین آثارش عبارتند از:

الف : کتاب النفس : که یکبار توسط : یوحنا بن البطریق به زبان سریانی و یکبار هم توسط حنین ابن اسحق بهمین زبان برگردان شده است - ترجمه این کتاب از زبان سریانی به عربی توسط : اسحق ابن حنین پسر حنین ابن اسحق انجام شده است .

ب : کتاب المسائل

ج : اقوال الحكماء فی الموسیقی :

این کتاب ابتدا به زبان عبری ترجمه شده و سپس در قرن هفتم هجری توسط ابن طیبون Ebn.Tilbon بعربی برگردانده شده است

د : کتاب الحروف - که به «الالیهات» نامیده میشود :

این کتاب در زمینه علوم ماوراء الطبیعه نوشته شده است و نزد دانشمندان عرب زبان اعتبار و شهرت بسیار دارد؛ برخی از قسمتهای این کتاب (که در آن اشاراتی به موسیقی شده است) توسط الکندی و اسحق بن حنین و ابوبشرمتی و یحیی بن عدی ترجمه و اقتباس شده است.

ه : کتاب الجدال :

این کتاب یکبار توسط : سعید بن یعقوب الدمشقی و یکبار توسط : ابراهیم ابن عبدالله بعربی ترجمه شده است - ولی بهترین برگردان آن بعربی در قرن چهارم هجری توسط : یحیی بن عدی بعمل آمده است - این رساله واجد سه مقاله کوتاه درباره موسیقی است.

و : کتاب : الحس والمحسوس

این کتاب در قرن چهارم هجری توسط : ابوبشر مثنیٰ بعربی ترجمه شده است در این رساله فصولی راجع به صوت و ابعاد (فواصل موسیقی) موجود است.

۴- اریستوخنوس (Aristoxenus)

مشهورترین اثر وی که در قرن سوم هجری مطابق با قرن نهم میلادی به عربی ترجمه شده : کتاب **الرئوس** است - مترجم این اثر مجهول است ولی همانطور که از نام کتاب برمی آید مطالب آن دربارهٔ رئوس و اصول علم موسیقی است و در حقیقت باید آن را کتابی در زمینهٔ هم آهنگی (آرمنی) بشمار آورد . یکی دیگر از آثار اریستوخنوس کتاب : **الایقاع** است که در آن از وزنهای مختلف موسیقی بحث شده است .

۵- نیکوماکوس (Nicomachus)

مشهورترین اثر وی : کتاب **الموسیقی الکبیر** است که مترجم آن مجهول است

یکی دیگر از آثار این دانشمند: **مختصر الموسیقی** نام دارد که مترجم این کتاب نیز مجهول است. سومین اثرش : کتاب : **الاریتمطیقی** است - که همچنانکه از نامش برمی آید دربارهٔ علم ریاضی است ولی فصلی از آن به علم هم-آهنگی (آرمنی) اختصاص یافته است - این اثر در قرن سوم هجری توسط : ثابت بن قراء به عربی برگردانده شده است .

۶- بطلمیوس

مشهورترین اثرش : کتاب **الموسیقی** است که بخش هم آهنگی آن در قرن سوم هجری به عربی ترجمه شده ولی مترجم آن مجهول است - این کتاب توسط الکندی و ابونصر فارابی نقل شده است.

۷- جالینوس (Galen)

یکی از معتبرترین کتابهای وی : کتاب **الصوت** است که در قرن سوم هجری توسط حنین ابن اسحق به عربی ترجمه شده است - (مطالب این کتاب توسط الکندی نقل شده است)

دومین اثر جالینوس: کتاب فی تشریح آلات الصوت است که توسط
حنین ابن اسحق به عربی برگردانده شده است - ترجمه این اثر از هر لحاظ
همانند نسخه سریانی آنست.

۸- الاسکندر الافرودیسی (Alexander of Aphrodisias)

مشهورترین اثرش تلخیص کتاب النفس ارسطاطالیس است - این رساله
در قرن سوم هجری به عربی برگردانده شده و مترجم آن مجهول است.

۹- آپولونیوس (Apollonius)

مشهورترین اثرش: صناعة الزمیر است (یعنی چگونگی ساختمان
سورنای یا ابوا) که اعراب به آن زمر میگویند) مترجم این رساله نیز مجهول
است.

۱۰- موریسیتوس (Morisitos)

مشهورترین اثر او، رساله: صناعة الارغنون است که مترجم آن نیز
مجهول است.

۱۱- انونی موس (Anonymous)

معتبرترین کتاب او، رساله: صناعة الارغنون البوقی است که مترجم
این اثر نیز مجهول است - ارغنون بوقی يك ساز رزمی بوده و صدائی تیز و بلند
داشته است - چگونگی ساختمان این ساز در الفهرست و کتاب السیاسه و رسالات
اخوان الصفا توصیف شده است. *کتاب جامع علوم انسانی*
کتاب دیگری را نیز به انونی موس نسبت میدهند که نامش: رساله
صناعة الججل است که مترجم این اثر نیز مجهول است.

۱ - ججل یا جلاجل همان خلخال یا مهره های خردی است که رقاصان
بدستها و پاهاى خود می بندند. این مهره ها را در فارسی « دست ابرنجن » و « پا
ابرنجن » مینامیدند.

منوچهری سروده :

چون فاخته دلبر برتر پرد از عرعر
کوئی که بزیر پر بر بسته یکی ججل
شیخ فریدالدین عطار سروده :
من از دست دل پر شیون خویش
همی پیچم چو « دست ابرنجن » خویش

۱۲- نيقوماكوس (Nicomachus)

که مشهورترین رسالتش عبارتند از :

الف : کتاب الموسیقی الكبير که در قرن سوم هجری به عربی ترجمه شده ولی مترجم آن مجهول است .

ب : مختصر الموسیقی : که این رساله نیز در قرن سوم هجری به عربی برگردانده شده ولی مترجم آن مجهول است .

ج - کتاب الاریتمطیقی - که بخشی از آن راجع به علم هم آهنگی است . این کتاب نیز در قرن سوم هجری به عربی ترجمه شده ولی مترجم آن مجهول است .

۱۳- اقلیدیس (Euclid)

دو اثر مشهور این حکیم نامدار عبارتند از :

الف : کتاب القانون - مبحث اصلی آن درباره (مونو کورد - Monocord) است - (مونو کورد سازیست که دارای يك كاسه طنینی و يك سیم و دو خرك متحرك است در ابتدا این ساز برای مطالعه چگونگی استخراج صدا و فواصل صداها و محاسبه و ارتباط ارتعاشات صدا مورد استفاده قرار میگرفت - یونانیها و بویژه فیثاغورث راجع به این ساز و چگونگی استفاده علمی از آن کتابها و رسالات زیادی نوشته اند) بنا بر نوشته فارمر : موسیقی دانهائی که بعدها درباره تئوری موسیقی رسالاتی نوشته اند بی شك از کتاب القانون اقلیدیس اقتباس کرده اند کما اینکه دو تن از موسیقی دانهائی مشهور دوره اسلامی مانند ابن سینا و ابن هیثم در رسالات خود قسمتهائی از مطالب کتاب القانون را نقل کرده اند .
ب : کتاب النغم - مشهور به : الموسیقی : این کتاب درباره هم آهنگی (آرمنی) موسیقی نوشته است - این الهیثم (وفات ۴۳۰ هجری) در رساله ای تحت عنوان : مقاله فی شرح الآرمونیقی قسمتهائی از مطالب کتاب النغم یا الموسیقی را نقل کرده است . لازم است که تذکار شود که هر دو اثر اقلیدیس در قرن سوم هجری به عربی ترجمه شده است ولی مترجم آنها مجهول است .

۱ - رساله : تقاسیم الحکمه والعلوم تألیف ابن سینا - و کتاب : شرح قانون اقلیدیس - تألیف ابن الهیثم .

۱۴- تمیستی یوس (Themistius)

مشهورترین اثرش که در قرن سوم هجری به عربی ترجمه شده است: شرح کتاب النفس است. این کتاب تفسیری است بر رساله‌ای تحت همین نام از آثار ارسطاطالیس یا اریستوتل دوانی ما Aristotle de anima که سال ۲۹۸ هجری مطابق با ۹۱۰ میلادی توسط اسحق ابن حنین به عربی ترجمه شده است. یکی از مباحث اساسی این کتاب شرحی است درباره صوت و چگونگی آن با بونصر فارابی نیز در کتاب الموسیقی الکبیر خود نقدی بر این مبحث نوشته است. یکی دیگر از کسانی که همین کتاب «النفس» را تلخیص کرده اند اسکندر الافرودیسی Alexander of Aphrodisias است که رساله اش تحت عنوان «تلخیص کتاب النفس» به عربی ترجمه شده ولی نام مترجم آن مجهول است.

۱۵- فینداروس الرومی Findarus - al-Rumi

اعراب نام این نویسنده را بوجوه مختلف ثبت کرده اند از جمله در: مروج الذهب مسعودی بصورت‌های: قندروس- قندروس و قندروس آمده است. در کتاب آداب الفلاسفه تالیف حنین بن اسحق نام این مؤلف «پرنوس» P-R-mus ثبت شده است. از سوی دیگر ابوالفرج اصفهانی در کتاب آغانی از موسیقی دانی بنام «پندار» Pindar یاد کرده است که بظن نزدیک به یقین وجه دیگری از نام «فیندار» یا «فینداروس» می باشد ولی در مروج الذهب چنین نامی ذکر نشده است. اینان که معرفی شدند کسانی بوده اند که از طریق ترجمه‌های آنان موسیقی-دانه‌های دوره اسلامی با اصول و قواعد موسیقی یونانی آشنا شده اند و همان‌ها را مبنای رسالات موسیقی خویشان قرار داده اند. بی سبب نیست که فارابی و حتی صفی‌الدین ارموی نیز در مقدمه رسالات خویشان صریحاً نوشته اند که رسالات ایشان بر مبنای قواعد و اصولی که یونانی‌ها ابداع کرده اند برشته تحریر در آمده است.

اگر لحظه‌ای به عقب برگردیم و نگاهی دقیق به آن روزگاران بیندازیم که زرتشت دین بهی را رواج داد، مشاهده می‌کنیم که ماعلاوه برداشتن انواع موسیقی بزمی و رزمی، دارای موسیقی مذهبی فرم یافته‌ای بوده ایم - زرتشت

برای ثبت ادعیه آهنگین خود خطی ابداع کرد بود که به آن «دین دیره» می‌گفتند. این خط شبیه خط سانسکریت بوده و علامات آن نظیر خط آوائی بوده است. اگر به این خط بدقت بنگریم و آن را با خط موسیقی یونان باستان مقایسه کنیم شباهت‌های زیادی میان آن دو مشاهده می‌کنیم. خط دین دیره توسط فنیقی‌ها به مجمع‌الجزایر اژه و یونان رفت و مورد استفاده قرار گرفت. در قرن پنجم میلادی بنا بر دعوت کلیسای مسیحی دو نفر کارشناس موسیقی از ایران به میلان می‌روند و اصول و قواعد موسیقی نظری را چنانکه نزد زرتشتیان معمول بوده است به آنها می‌آموزند. اگر ایرانیان خود قواعدی برای انتظام موسیقی خویشان نداشتند چگونه می‌توانستند آموزگاران خوبی برای دیگران باشند؟

از اینرو باید گفته شود که پیش از یونانیان و رومیان، ایرانیان بودند که به مطالعه گام‌ها یا پرده‌های سازنده الحان موسیقی ملی خود پرداخته و قواعد و اصولی برای آن ابداع کرده بودند؛ منتهی رسالات و کتابهای این علم در یورش‌ها و فتنه‌ها و آتش‌سوزی‌های پی‌درپی از میان رفت و آن کسانی هم که با این قواعد آشنا بودند در گذشتند، و این روم و یونان بود که قواعد و اصول موسیقی را برای ما حفظ کردند و سرانجام از طریق مترجمان اسلامی به ما برگرداندند.

تردید نیست که هر اصل و قاعده‌ای در يك هنریگانه وقتی به ناحیه‌ای سفر کرد با سنت‌های همان ناحیه آمیخته می‌شود و فرم دیگری بخود می‌گیرد تا آنجا که باز شناختن این اصول دیگر گرن شده از اصول واقعی نه تنها دشوار است بلکه غیر ممکن نیز بنظر می‌آید. بهر تقدیر از اوایل قرن سوم هجری است که رسالات موسیقی یونانی به سریانی یا عربی ترجمه می‌شود و در دسترس موسیقی‌شناسان و موسیقی دانهای نسل‌های بعد قرار می‌گیرد.

اکنون می‌پردازم به ذکر نام و آثار سایر موسیقی دانهای دوره اسلامی :

۲۱- حماد ابن اسحق

نامش: حماد ابن اسحق ابن ابراهیم الموصلی است که بسال ۲۸۷ هجری مطابق با ۹۰۰ میلادی در گذشته است. چنانکه از سلسله نسبش برمی‌آید نوه موسیقی‌دان نامدار، ابراهیم موصلی است.

مشهورترین رسالاتش عبارتند از :

الف : کتاب مختارقیان ابراهیم (این کتاب شرحی است درباره آهنگهای

برگزیده ابراهیم موصلی .)

ب : اخبار الندماء (تذکره ایست درباره یاران موافق- و این یاران کسانی

بوده اند جمله گی به موسیقی و شراب و خوشگذرانی اعتقاد داشته اند.) همچنانکه

ضمن آثار اسحق موصلی تذکار شد او نیز اثری تحت عنوان : کتاب الندماء

نوشته است .

۲۲- ثابت ابن قره

نامش : ابوالحسن ثابت ابن قره ابن مروان الحرائی است که بسال ۲۸۸

هجری مطابق با ۹۰۰ میلادی در گذشته است. وی، یکی از بزرگترین مترجمان

زبان سریانی و یونانی به عربی بوده است و نزد المعتضد خلیفه مسلمانان تقرب

داشته است .

... دارالترجمه‌ای تأسیس کرده بود که تعدادی از خویشانش در آن کار

میکردند، آثار بسیاری از یونانیان مانند: اپولونیوس- اقلیدس - ارشمیدس -

تئودوسیوس- بطلمیوس- جالینوس و ائوتوکیوس، بوسیله او یا تحت سرپرستی و

نظارت وی به عربی ترجمه شده و یا ترجمه‌های دیگران اصلاح گردیده است .

در حدود یکصدوسی جلد کتاب و رساله نوشته است که نه مجلد آن درباره

موسیقی است - این کتابها عبارتند از :

الف : کتاب فی علم الموسیقی - (لازم است تذکار شود که ثابت ابن قره،

نخستین فیلسوفی است که بعد از الکندی و سرخسی با قواعد و اصول موسیقی یونانی

آشنا گشته و آنها را به عربی برگردانده و رواج داده است - کتاب فی علم الموسیقی

اثری است در این زمینه .)

ب : کتاب فی الموسیقی - این اثر همانند «کشف» است و دارای پانزده

فصل میباشد .

ج : مقاله فی الموسیقی.

د : رساله من امر الموسیقی - رساله ایست درباره موسیقی نظری .

ه : کتاب من ابواب علم الموسيقى - (این کتاب ماحصل مکاتبه ایست میان مؤلف، و یک موسیقی شناس موسوم به : علی ابن یحیی بن ابی منصور) .

و : مختصر فی فن النغمه - (همچنانکه از نام این رساله مستفاد میشود، اثر مجملی است درباره قواعد و اصول (نوت) یا نغمه .

ز : مقاله فی الانغام - (بحثی است درباره (نوتها) یا نغمه ها، که بی شک از تئوری موسیقی قدیم یونانی اقتباس شده است

ح : کتاب فی آلات الزمر - که درباره آلات موسیقی بادی نوشته شده ، این اثر نیز مقتبس از کتابی است که مورستوس برشته تحریر در آورده است.

ط : کتاب فی آلات الساعات، تسمی رخامات - (رخام در لغت بمعنای سنگ مرمر است ولی در اینجا مراد سازی است از خانواده ارغنون ، اعراب به این قبیل سازها زفیر یا زفارات میگویند) ارشمیدس Archimédes کتابی دارد که در قرن سوم هجری بعربی ترجمه شده است. نام این کتاب: ساعات آلات الماء میباشد - در کتاب الفهرست (ص ۲۶۶) نام این کتاب چنین نقل شده است: کتاب الی ساعات الماء - و بی شک درباره ارغنون آبی یا ارگ هیدرولیک بحث شده است ، ارگ یا ارغنون آبی یکنوع ساز بادی است که بجای حرکت دست یا پا یا نیروئی دیگر، بوسیله فشار آب «دم‌های» آن بحرکت در می آیند .

بنابر این کتاب: فی آلات الساعات (موسوم به رخامات) اثریست که راجع به این قبیل سازها در آن بحث شده است و بظن نزدیک یقین این رساله، ترجمه یا اقتباسی است از کتاب ارشمیدس .

۲۳ - المغدل ابن سلمه

نامش : ابوطالب المغدل ابن سلمه است که احتمالاً بسال ۲۹۱ هجری مطابق با ۹۰۴ میلادی در گذشته است

مشهورترین اثرش : کتاب العود والملاهی است - این کتاب شرحی است درباره ساختمان ساز عود و آلات موسیقی دیگر .

۲۴ - ابن المعتز

نامش : ابوالعباس عبدالله ابن المعتز است که بسال ۲۹۶ هجری مطابق

با ۹۰۸ میلادی در گذشته است .

وی از برجسته‌ترین فرزندان خلیفه المعتمد میباشد - مشهورترین آثار وی که در زمینه موسیقی و شعر نوشته شده‌اند عبارتند از:

الف : کتاب الجامع فی الفنا

ب : کتاب الشعریه (این کتاب تذکره‌ایست از خوانندگان و سرودگویان

خوش صدا)

ج : کتاب البدیع (در باره شعر و بدایع آنست)

و : کتاب اخبار اریب - (تذکره‌ایست از خواننده مشهور قرن دوم

هجری)

۲۵- منصور ابن طلحه

نامش : منصور بن طلحه بن طاهر بن الحسین است که بسال ۲۹۸ هجری مطابق

با ۹۱۰ میلادی در گذشته است.

منصور بن طلحه از شاگردان الکندی بوده و در رشته موسیقی شناسی و

تئوری موسیقی از برگزیدگان عصر خویش بشمار می‌آمده است - مشهورترین

اثرش، کتاب : مونس فی الموسیقی است.

۲۶- ابن المنجم

نامش ابواحمد یحیی بن علی بن یحیی بن ابی منصور المنجم الندیم است

که بسال ۳۰۰ هجری مطابق با ۹۱۲ میلادی در گذشته است .

مشهورترین آثارش عبارتند از:

الف : رساله فی الموسیقی - این کتاب رساله کاملی است در زمینه

علم و عمل موسیقی، متکی به مکتب قدیمی موسیقی عرب، در این رساله از چگونگی

تدریس اسحق موصلی و همچنین تفاوت‌هایی که میان روش تعلیم موسیقی دانهای

عرب یعنی (اصحاب الفناء العرب) و موسیقی دانهای یونانی موجود بوده است

سخن رفته است - در همین رساله راجع به انگشت‌گذاری بر پرده‌های عود و

چگونگی ثبت الحان با حروف (که به حروف الجمل معروف بوده است) بحث

بمیان آمده است. ابن المنجم در همین کتاب توضیح داده است که : روش قدیمی

موسیقی عرب بر بنیاد آنچه که مجاری گفته میشود (Courses) بنا شده است. مهمترین این مجاری دو مجراست که یکی از آنها به مجرای انگشت وسطی و دیگری به مجرای انگشت بنصر موسوم است. در هر یک از این مجاری چهار جدول انگشت گذاری یا (Modes) وجود داشته است که به آن اصابع میگفتند، مؤلف در باره هر یک از آنها گفتگو کرده و چگونگی آنها را تشریح کرده است. ... در پایان این رساله ابن المنجم مختصری نیز درباره انتقال Modulation سخن گفته است.

ب: **کتاب النغم**: مطالب این کتاب شباهتی به رساله فی الموسیقی ندارد زیرا ابن المنجم تا حد زیادی تحت تاثیر کتاب الاغانی الکبیر قرار گرفته و مطالب بسیاری را از آن کتاب اقتباس و نقل کرده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ژنرال جامع علوم انسانی